

بازنمایی تجارب زیسته اساتید در انتشار بازننگری بومی برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان

آزاده باواخانی*

محمدحسین یارمحمدیان**

نرگس کشتی آرای***

چکیده

این پژوهش باهدف تبیین انتشار بازننگری بومی برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان بر اساس تجارب زیسته اساتید انجام شده است. در این پژوهش از روش کیفی، از نوع پدیدارشناسی استفاده شده است. شرکت‌کنندگان در این پژوهش نه نفر از اساتید با سابقه مدیر گروهی یا مشارکت در طرح‌های بازننگری بودند که به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند از نوع موارد استثنایی یا کرانه‌ای انتخاب گردیدند. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام و با روش کدگذاری موضوعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از مجموعه یافته‌های این پژوهش، پس از حذف کدهای مشترک، ۳۷۹ کد مفهومی استخراج شد که بیانگر تجارب اساتید در شناسایی مراحل تدوین مدل بومی بازننگری برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان بود. در زمینه مقدمات بازننگری بومی برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان سه مؤلفه اصلی و هفت زیرمؤلفه دسته‌بندی شدند. یافته‌ها نشان داد این پژوهش با در نظر گرفتن مقتضیات بومی و محلی به تبیین انتشار بازننگری بومی برنامه درسی بر اساس عوامل درونی و بیرونی انتشار و بیان فرصت‌ها و الزامات پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: انتشار بازننگری برنامه درسی، بازننگری برنامه درسی، برنامه درسی، دانشگاه فرهنگیان

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد، واحد خوراسگان اصفهان است.

* دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

** استاد، مرکز تحقیقات مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)
mohamadhoseinyarmohamadian4520@gmail.com

*** دانشیار گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۰۹

مقدمه

در عصر حاضر مواجهه با چالش‌های جهان در حال تغییر برای بشر اهمیتی انکارناپذیر یافته است (دوماس و هانچین، ۲۰۱۰). برنامه درسی اصلی‌ترین عنصر نظام آموزشی و بنیادی‌ترین ابزار برای فراهم آوری دانش، تجربه و مهارت دانشجویان برای عرضه خدمات به جامعه است (نیلی و همکاران، ۱۳۸۹). بازنگری بومی برنامه درسی بامطالعه زمینه و بستر فرهنگی جامعه و بیان آن‌ها در برنامه درسی به فهم تحولات و نیازهای مردمی و انتقال آن به برنامه درسی می‌انجامد. بنت در توجه به عنصر فرهنگ در برنامه درسی معتقد است که این رویکرد در جامع‌ترین شکل خود، نسبت به تحقق برابری آموزشی متعهد بوده و اقدام به تدوین نوعی برنامه درسی می‌کند که موجبات تفاهم گروه‌های قومی را در پی دارد (بنت^۱، ۱۹۹۰).

بازنگری بومی برنامه درسی شرایطی را به وجود می‌آورد تا با توجه به نیازها و ظرفیت‌های بومی در تدوین برنامه درسی علاوه بر سازگاری بیشتر برنامه درسی با نیازهای بومی، منجر به موفقیت برنامه درسی در مرحله اجرا نیز شود (ملک‌پور و حکیم‌زاده، ۱۳۹۵). بدین ترتیب در بازنگری بومی، برنامه درسی همخوانی بیشتری با زیست بوم زندگی افراد دارد و شرایط زندگی افراد را در نظر می‌گیرد. ضرورت تدوین یک برنامه درسی منسجم مستلزم توجه به فرهنگ‌های متنوع و متکثر موجود در جامعه است (ملک‌پور و حکیم‌زاده، ۱۳۹۵). معلمان اگر مهم‌ترین جزء نظام آموزشی هر کشور نباشند، یکی از مهم‌ترین عناصر آن به حساب می‌آیند (مسو و پانهوار، ۲۰۱۳)؛ بنابراین آنچه معلمان می‌آموزند تا بتوانند تأثیرگذار باشند، شایسته توجه است. بازنگری برنامه درسی بومی دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان افق و گستره‌ای هویتی شایان توجه است؛ چراکه امکان پیوند بین برنامه درسی و دین، اجتماع، تاریخ، هنر و فرهنگ محلی مناطق مختلف را فراهم می‌کند و به‌نوعی معنا و مفهومی نو می‌بخشد. دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان نهادی با مسئولیت خطیر آموزش معلمان برای همگامی و سازگاری بیشتر برنامه درسی نیازمند بازنگری بومی برنامه درسی خویش است. بازنگری بومی برنامه درسی به‌عنوان تلاشی برای حفظ این فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها از راه درست و تأثیرگذار، یعنی انتقال آن‌ها به برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان است تا به این وسیله به دانش‌آموزان و جامعه منتقل شود و تجدید حیاتی دوباره صورت گیرد یک برنامه به هر میزان که خوب بازنگری شده

باشد، نیازمند انتشار و توسعه مناسب است تا بتواند در عمل اجرای موفقیت‌آمیزی داشته باشد. توسعه و انتشار برنامه درسی بازننگری شده، از ارکان موفقیت‌آمیز اجرای بازننگری برنامه درسی است.

لی و ادوارد^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی تاثیر آموزش‌های خارج کشور بر نوآوری و بازننگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در جنوب چین پرداختند. بر پایه مصاحبه‌ها، بحث‌های گروهی، گروه‌های کانونی و مشاهده‌ی ۴۸ معلم درس زبان انگلیسی که در برنامه‌های رشد حرفه‌ای مشارکت داشتند (از طریق رویکردهای مدرن آموزشی طراحی و کار بسته شده بود). مصاحبه با ۱۰ نفر از مدیران موسسه‌های آموزشی داده‌های تکمیلی را فراهم کرد. کاربرست نظریه انتشار نوآوری به‌عنوان چارچوب مفهومی بوده و پژوهشگران این جنبه‌های موقعیتی نظام آموزشی چین را که حامی تغییر و نوآوری را موردبررسی قرار دادند. پژوهشگران شاهدهی برای نوآوری در کلاس‌های درسی یافتند تا تضمین کنند که این نوآوری‌های آموزشی حاصل آموزش‌های نوین منعکس یافته در برنامه‌های رشد حرفه‌ای بر تسهیل نوآوری و تغییر تأثیرگذار است. نقش کلیدی مشارکت‌کنندگان به‌عنوان رهبران انتشار ایده‌های نوین هم موردبررسی قرار گرفت و یافته‌ها نشان داد که درک منتخب این نوآوری در راستای سیستم آموزشی حرکت می‌کند و آموزش نقش بسیار مؤثری در تسریع نوآوری و بازننگری برنامه‌های درسی داشته است. تیلور^۲ (۲۰۱۷) به بررسی ارتباط بین مؤلفه‌های رهبری چابک و بازننگری برنامه درسی پرداخته است. رهبران باید تصمیم‌های چابک بگیرند. مطالعه به روش کمی به بررسی ارتباط بین مؤلفه‌های رهبری چابک و بازننگری برنامه‌های درسی در آموزش عالی پرداخته است. این مطالعه تکامل مؤلفه‌های رهبری چابک درون محیط آموزشی را موردبررسی قرار داده است. بر پایه داده‌هایی که جمع‌آوری و تحلیل شده است. مؤلفه‌های رهبری چابک (انطباق^۳، تصمیم‌گیری^۴، کار گروهی^۵، توانمندسازی^۶ و مشارکت اساتید و معلمان^۷) بر بازننگری برنامه‌های درسی تأثیرگذار است. انتشار موفقیت‌آمیز یک برنامه رکن اساسی موفقیت در اجرا است. با عنایت به این مهم و بذل‌توجه به پژوهش‌های پیشین که از ناکافی بودن پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه و وجود کاستی در این

1. Li & Edwards
2. Taylor, A.
3. adaptation
4. decision-making

5. teamwork
6. empowerment
7. faculty collaboration

مهم، حکایت می‌کند. پژوهش حاضر درصدد است تا به عوامل موثر در انتشار بازنگری بومی برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان بپردازد تا بتواند گامی نو در تبیین و شناساندن این عوامل به برنامه ریزان و سیاست‌گذاران بردارد. حال پرسشی که در اینجا مطرح می‌گردد، تجارب اساتید از انتشار بازنگری بومی برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان کدام است؟

روش

این پژوهش به صورت مطالعه کیفی از نوع پدیدارشناسی طراحی گردیده است. پدیدارشناسی، پژوهشی درباره جهان است، آن‌گونه که بر افراد جلوه‌گر می‌شود، هنگامی که آنان خود را در حالتی قرار می‌دهند که گویای تلاشی برای آزاد شدن از سوگیری‌ها، تعصبات و عقاید روزمره باشد (ون منن^۱، ۱۹۹۰). پژوهش پدیدارشناسی نوعی از «پژوهش تفسیری^۲» است که کانون اصلی توجه و تمرکز آن برداشت و تجربه انسان است. پژوهش پدیدار شناختی برداشت‌های انسانی افراد مختلف را به طور مجزا بررسی کرده و نیز نتایج و توصیف‌های حاصل از این برداشت‌ها را بدان‌سان که در برداشت‌های افراد به طور مستقیم ظاهر می‌شود، بررسی می‌کند (پاینار^۳، ۲۰۰۴). برای انتخاب شرکت‌کنندگان در این پژوهش؛ از نمونه‌گیری هدفمند از نوع موارد استثنایی یا کرانه‌ای استفاده شده است. این نوع نمونه‌گیری به موارد غیرمعمول یا خاص توجه دارد و یافته‌های آن می‌تواند زمینه فهم موارد معمولی را فراهم کند (گال و بورگ، ۱۳۹۲). نمونه‌گیری تا زمان اشباع داده‌ها ادامه پیدا کرد که با انجام نه مصاحبه با اساتیدی که سابقه مدیر گروهی یا مشارکت در طرح‌های بازنگری داشتند، صورت پذیرفت. روش جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. سؤالات مصاحبه به صورت باز پاسخ و بر اساس راهنمای مصاحبه بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش کدگذاری موضوعی^۴ استفاده شده است. بدین ترتیب متن مصاحبه‌ها پس از ضبط، بر روی کاغذ نوشته شد تا کدگذاری داده‌ها بهتر صورت انجام پذیرد. سپس سطر واکاوی شد و مفاهیم اصلی به صورت کد استخراج گردید. پس از استخراج کدهای اولیه، پژوهشگر کدهای مشابه با یکدیگر را ادغام و آن‌ها را در گروهی قرار داد و برای هر طبقه نامی که معرف کدهای قرار گرفته شده در آن طبقه بود را انتخاب کرد. بدین ترتیب با تشکیل طبقه‌بندی، تم‌های اصلی مطالعه استخراج گردید. برای اطمینان از صحت و پایایی پژوهش، متن

1. Van Manen
2. Interpretive inquiry

3. Pinar, W. F.
4. thematic coding.

مصاحبه‌ها و مفاهیم استخراج شده از آن‌ها به شرکت‌کنندگان بازگردانده شد تا مورد بازبینی قرار گرفته و سپس تأیید کردند. علاوه بر پژوهشگر، دو تن از مدرسین آشنا با پژوهش کیفی، متون و مفاهیم را بررسی کردند که تا حدود ۹۰ درصد در مورد مفاهیم، اتفاق نظر وجود داشت. همچنین نتایج این پژوهش در اختیار اساتید با سابقه مدیر گروهی یا مشارکت در طرح‌های بازننگری برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان قرار گرفت که آنان نیز با توجه به تجارب خود، این نتایج را تأیید کردند.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی صاحب‌نظران

ردیف	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	سمت	سابقه تدریس محل تدریس
۱	دکتری	مدیریت آموزشی	استاد	۳۵ سال دانشگاه فرهنگیان
۲	دکتری	مدیریت آموزشی	استاد و ریس پردیس	۳۵ سال دانشگاه فرهنگیان
۳	دکتری	مدیریت اقتصاد مدیریت آموزشی	استاد و مدیر بالندگی حرفه‌ای	۲۰ سال دانشگاه فرهنگیان
۴	دکتری	برنامه‌ریزی درسی	استاد	۲۰ سال دانشگاه تهران
۵	دکتری	برنامه‌ریزی درسی	استاد	۲۶ سال دانشگاه تهران
۶	دکتری	برنامه‌ریزی درسی	استاد و کارمند بخش برنامه‌ریزی درسی	۲۰ سال دانشگاه فرهنگیان
۷	دکتری	مدیریت آموزشی	استاد و ریس پردیس	۲۸ سال دانشگاه فرهنگیان
۸	دکتری	دکتری فلسفه	استاد و معاون پردیس	۲۴ سال دانشگاه فرهنگیان
۹	دکتری	برنامه‌ریزی درسی	استاد	۳۰ سال دانشگاه تهران

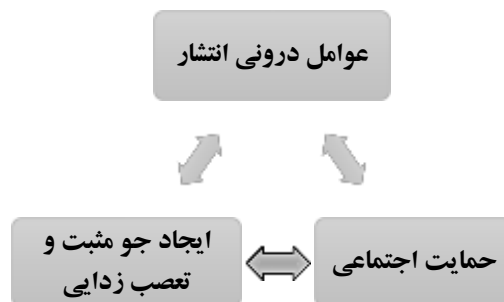
یافته‌ها

یافته‌های حاصل از این پژوهش بعد از حذف کدهای مشترک ۳۷۹ کد مفهومی که بیانگر تجربه اساتید در زمینه عوامل مؤثر در بازننگری بومی برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان بود، استخراج گردید. مفاهیم انتشار بازننگری بومی در سه مؤلفه اصلی و هفت زیر مؤلفه دسته‌بندی شدند که در نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱. عوامل مؤثر در بازنگری بومی برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان بر اساس تجارب زیسته اساتید

۱. عوامل درونی انتشار: مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه‌ها در این زمینه دارای دو کد مفهومی فرعی به شرح مندرج در نمودار ۲ است.

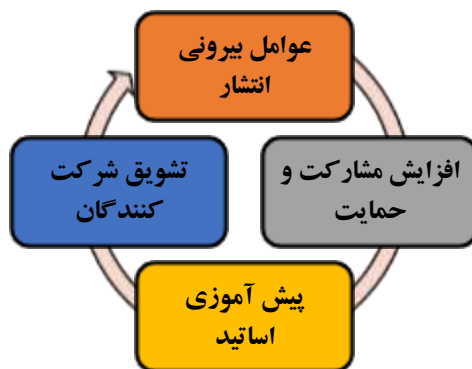


نمودار ۲. تجارب اساتید در زمینه عوامل مؤثر بر انتشار (عوامل درونی انتشار)

حمایت اجتماعی و ایجاد جو مثبت و تعصب زدایی، باعث همراهی و تعلق خاطر اعضا نسبت به برنامه جدید می‌شود. آموزش، یادگیری و پرورش در هر جامعه‌ای با فرهنگ ارتباطی تنگاتنگ و متقابل دارد. بدین معنی که از یک سو فرهنگ را مسئول آموزش قلمداد کرده‌اند و از سوی دیگر فرایند آموزش را متأثر از نظام معنایی، ارزش‌ها و هنجارهای (همان فرهنگ) موجود در یک جامعه تصور کرده‌اند (صادقی، ۱۳۹۱). برای پذیرش برنامه جدید نیاز به پذیرش و باور افراد محلی برای همراهی با برنامه جدید است. در این باره مصاحبه‌شونده شماره ۶ می‌گوید: «برای اینکه برنامه رو قبول داشته باشن پس؛ زبان، رسوم و مناسبت‌های فرهنگی آن‌ها رو در محتوای یادگیری بیاریم تا جزئی از افراد محلی باشیم.» مصاحبه‌شونده شماره ۷: «خب اینکه کسانی که بازنگری رو اجرا

می‌کنم؛ احساس کنم، موفقیت شون در صورت همراهی با برنامه جدید و کسانی که برنامه رو اجرا می‌کنن، در اجرای موفق بازننگری مهمه.» اگر افراد بیشتری در انتشار و توسعه بازننگری، دخیل و متعهد به کار باشند، بهتر نهاده می‌شود. از ابتدا، هدف پروژه توسعه و انتشار، به حداکثر رساندن تعداد زیادی از افراد در داخل و خارج از جامعه تربیت‌معلم بود (گروسمن و همکاران، ۲۰۰۷). بدین ترتیب مشارکت حداکثری افراد در پایین‌ترین سطح تصمیم‌گیری و در نظر گرفتن نظرات و تجارب زیسته آن‌ها در آنچه لازم می‌دانند، از عوامل درونی همراهی با بازننگری است چراکه بازننگری را بیان‌کننده نقطه نظرات و عقل جمعی خود در آنچه برای محتوای آموزشی لازم می‌دانند، است. موسی‌پور ۱۳۹۰ گفته است در تغییرات بدون توجه به باورها و نگرش‌های کارگزاران تربیتی به‌عنوان مجریان برنامه‌های جدید، نمی‌توان اجرای موفقیت‌آمیزی را برای این برنامه‌ها رقم زد. نقش معلمان به‌عنوان عنصر اساسی در تغییرات مطرح است؛ زیرا باورها و اعتقادات آن‌ها در نوع رفتارشان تأثیر دارد و آن‌ها می‌توانند با توجه به توجیحات خود در اجرایی شدن درست برنامه درسی یا به بن‌بست رسیدن برنامه درسی نقش محوری را ایفا کنند (داداشی و همکاران، ۱۳۹۰).

۲. عوامل بیرونی انتشار: مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه‌ها در این زمینه دارای سه کد مفهومی فرعی به شرح مندرج در نمودار ۳ است.

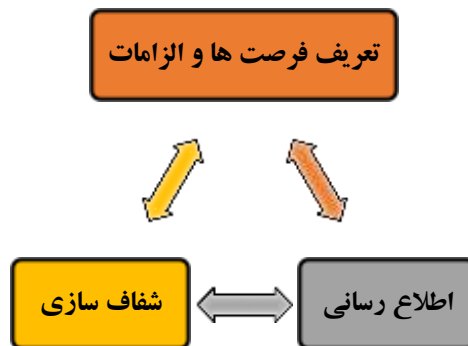


نمودار ۳. تجارب اساتید در زمینه عوامل مؤثر بر انتشار (عوامل بیرونی انتشار)

پیش‌آموزی اساتید و تشویق شرکت‌کنندگان باعث همراهی و موفقیت برنامه می‌شود. این موضوع که چگونه افراد مخالف را با برنامه درسی تغییر یافته همراه سازیم، اغلب با

راهکار تشویق و حمایت آن‌ها برای مشارکت در امر بازننگری برنامه درسی حل می‌گردد (جانسون، ۲۰۰۱). ایجاد هرگونه تغییر در برنامه‌های درسی نیازمند پشتیبانی و هدایت مجریان است. هنگامی که مجریان برنامه‌های درسی جدید دریابند که در موقعیت عمل رها نشده‌اند و به جهت سازگاری با تغییرات انجام شده، از جهت مادی و معنوی حمایت می‌شوند، اجرای تغییرات با کیفیت بیشتری صورت می‌گیرد (موسی‌پور، ۱۳۸۴). مصاحبه‌شونده شماره ۱: «این اجازه رو بدیم که هم‌هی آن‌هایی که برنامه رو اجرا می‌کنن با هم حرف بزنن و بهترین کار رو در عمل انجام بدن. همین طور آدم‌های محلی که بقیه قبول شون دارن در اجرا باشن. دیگه اینکه؛ برای اینکه توی پردیس بازننگری رو شروع کنیم، از تعداد زیادی از افراد بومی دانشگاهی استفاده کنیم. خب باعث میشه که از آدم‌های مختلف نظرها و اطلاعات به دست بیاریم برای تغییر برنامه». مصاحبه‌شونده شماره ۷: «هر چه افراد بیشتری از هر استان در اجرا شرکت‌کننده پس حمایت بیشتری هم از برنامه میشه». «اگه می‌خواهیم برنامه جدید رو درست اجرا کنیم، باید به‌موقع برنامه رو به مناطق بفرستیم و برای استادها هم کلاس آموزشی برقرار کنیم تا با برنامه جدید هماهنگ باشن». هنگامی که همه مشارکت‌کنندگان حق صحبت درباره آنچه شایسته تغییر در برنامه است را داشته باشند، پس بهترین کار را در عمل انجام می‌دهند. همچنین برقراری کلاس‌های آموزشی برای هماهنگی اساتید با برنامه بازننگری شده به موفقیت برنامه می‌انجامد. اساساً مشارکت در فرایند تغییر و اصلاح برنامه درسی معمولاً نیازمند تلاش و صرف انرژی و وقت فراوان است. از این‌رو باید در قالب پاداش‌های مادی و یا در چارچوب نظام ارتقاء حرفه‌ای مدنظر قرار گیرد (فتیحی، ۱۳۹۲). تشویق مالی یا دادن امتیاز به همه اجراکنندگان، انگیزه و عامل بیرونی انتشار بازننگری بومی برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان است.

۳. تعریف فرصت‌ها و الزامات: مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه‌ها در این زمینه دارای دو کد مفهومی فرعی به شرح مندرج در نمودار ۴ است.



نمودار ۴.

اطلاع رسانی و شفاف سازی برنامه درسی بازنگری شده گامی مهم در سهولت اجرای برنامه است. پس از ابلاغ برنامه های درسی بازنگری شده آنچه ضرورت دارد سازوکارهای هماهنگی و پشتیبانی در اجرای تغییرات است، چراکه تغییرات برنامه درسی وقتی ظهور اجتماعی می یابند که به اجرا گذاشته شوند (موسی پور، ۱۳۹۱). در واقع قبل از ایجاد تغییر، ضروری است تا زمینه های مساعد آن فراهم شود و مزایای تغییر برای افراد توجیه گردد و تغییرات با مشارکت حداکثری مجریان و با جلب توجه آنان انجام شود؛ چراکه در غیر این صورت افراد ممکن است در اثر فشار از تغییرات جدید استقبال کنند ولی در عمل با آن به مبارزه برخیزند (کاملی، ۱۳۹۲). مصاحبه شونده شماره ۱: «البته قبلش باید دستورالعمل های قبلی رو اصلاح کنیم و از استادهایی که قبولشون دارن و مورد احترام هستند، بخواهیم که خوبی ها و نکات مثبت برنامه جدید رو توضیح بدن». اهداف باید تبدیل به عبارات عملیاتی و قابل فهم برای همه شود. رمزگذاری و رمزگشایی در سیاست گذاری و هدف گذاری آموزشی، یکی از اصولی است که باید بر هم منطبق باشند (برایسون، ۲۰۱۱).

مصاحبه شونده شماره ۳: «خب اینکه چطور اجرا کنن رو باید در قالب بخشنامه های جدید توضیح بدیم و آگاهی و اطلاعات بیشتری به پردیس ها و استادها درباره برنامه جدید بدیم. مثلاً با شرکت دادن استادها در بازنگری آنها رو آموزش هم می دهیم یا حداقل دستورالعمل های اجرا رو از قبل برایشان بفرستیم». مصاحبه شونده شماره ۴: «مثلاً برای اجرای برنامه جدید جلسه تشکیل بدیم که بهترین کار و اجرا رو بر اساس شرایط منطقه انجام بدیم؛ اما این جلسه های توجیهی رفع تکلیف نباشند و روی آنها نظارت

باشد.» تعیین و آگاهی از استانداردهای انجام یک برنامه، در آغاز شروع کار، به حرکت در مسیر تکامل برنامه می‌انجامد بدین ترتیب سازوکارهای اطلاع‌رسانی همراه برنامه یا پیش از شروع برنامه جدید در موفقیت آن نقش بسزایی دارد. آنچه استادان تربیت‌معلم در مورد فرایند آموزش و یادگیری فکر می‌کنند، به‌خصوص در زمان تغییر سریع، امری حیاتی است (گروسمن و همکاران، ۲۰۰۷).

بحث و نتیجه‌گیری

انتشار بازنگری بومی برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان در اجرای موفقیت‌آمیز آن نقش حائز اهمیتی دارد. چنانچه داشتن برنامه‌ای منسجم برای انتشار و توسعه برنامه درسی به سازوکار اجرا کمک کند. برای انجام بازنگری، محیط باید پویا باشد چراکه مسائل بازنگری، خود را در محیط پویا نشان می‌دهند. در ترکیه به‌طور هم‌زمان بازنگری و اجرای بازنگری انجام می‌شود، چراکه عقیده بر این است؛ آنچه معلمان تربیت‌معلم در مورد فرایند آموزش و یادگیری فکر می‌کنند، به‌خصوص در زمان تغییر سریع، امری حیاتی است. بدین ترتیب معلمان استراتژی‌ها و تکنیک‌های جدیدی را برای کار خود و مشارکت مستقیم در تصمیم‌گیری نسبت به پیشینیان خود خواهند داشت (گروسمن و همکاران، ۲۰۰۷). انتشار بازنگری بومی برنامه درسی نقطه عطفی در بازنگری برنامه درسی است. به هر میزان که یک برنامه تعداد مشارکت‌کنندگان بیشتری در تصمیم‌گیری داشته باشد، از پشتوانه اجتماعی بیشتری در انتشار برخوردار خواهد بود. یکی از رویکردهای برجسته ایجاد تغییر در برنامه‌های درسی رویکرد مشارکتی در مقابل رویکرد از بالا به پایین با حداکثر تمرکز و رویکرد از پایین به بالا با حداقل تمرکز است. چنین رویکردی در تغییر برنامه‌های درسی با این استدلال که رویکردهای جداگانه و جزیره‌ای تغییر مناسب نمی‌باشند، پدیدار شده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴). در بازنگری بومی برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان با داشتن رویکردی مشارکتی که جنبه دستوری و از بالا به پایین نیست، در فرایند انتشار همراهی و حمایت جمعی افرادی که در تصمیم‌گیری مشارکت داشتند را با خود به همراه دارد. در عوامل بیرونی انتشار؛ پیش‌آموزی اساتید و برقراری کلاس‌های آموزشی برای توجیه اساتید به پذیرش و همراهی آنان با برنامه جدید می‌انجامد. همچنین تشویق شرکت‌کنندگان نیز به‌عنوان عوامل درونی انتشار به بازنگری بومی کمک شایانی می‌کند. از عوامل موفقیت بازنگری؛ این واقعیت است که تیم ارزیابی یک رویکرد بسیار

باز داشته باشد، به سمت بالا حرکت نکند و بی توجه نباشد، بلکه بازتاب‌ها و نظرات همه شرکت‌کنندگان را تشویق کند (ریچمن، ۲۰۱۴). برای تبیین تصمیم‌گیری‌های فرایند بازننگری، تدوین و ارسال به‌موقع شیوه‌نامه‌های اجرایی برنامه جدید به تفهیم، روشن‌سازی و رفع ابهامات بازننگری بومی می‌انجامد. بازننگری برنامه درسی بر اساس نیازهای دریافتی از استفاده‌کنندگان شروع می‌شود. سپس توسط مدرسان برجسته تحلیل شده و مورد بحث قرار می‌گیرد که نهایتاً به اجماع در مورد اهداف، محتوا و اجرا می‌رسند (گروسمن، ۲۰۰۷). مجموع هم‌اندیشی‌ها و راهکارهای عملی حاصل از فکر و اندیشه جمعی باید به‌صورت روشن و بدون ابهام در اختیار اجراکنندگان نهاده شود، هر گام در فرایند اجرا می‌تواند دوباره مورد بازبینی قرار گیرد و نظرات اجراکنندگان در بازننگری‌های آینده یا در حین اجرا، در صورت مغایرت نداشتن با اهداف تدوین‌شده، اعمال شود. بدین ترتیب بازننگری بومی با مشارکت حداکثری و همدلانه در سطح افراد محلی اجرا می‌شود.

منابع

- داداشی، ب.، موسی‌پور، ن. و صفایی موحد، س. (۱۳۹۵). نقش فرهنگ معلمی در مواجهه با تغییرات برنامه درسی ریاضیات پایه هفتم. *نظریه و عمل در برنامه درسی*، ۴(۷)، ۱۳۷-۱۶۶.
- صادقی، ع. ر. (۱۳۹۱). ویژگی‌ها و ضرورت‌های تدوین برنامه درسی چند فرهنگی در ایران؛ بررسی چالش‌ها و ارائه راهکارها. *راهبرد فرهنگ*، (۱۷ و ۱۸)، ۹۳-۱۲۲.
- فتحی و اجارگاه، ک. (۱۳۹۲). *راهنمای عملی بازننگری برنامه‌های درسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی*. تهران: مهربان نشر.
- کاملی، م. ج.، بختیاری، ط.، لطفی اربابان، ا. و پورفرد، ا. (۱۳۹۲). بررسی الگوهای رفتاری کارکنان در مقابل تغییر. *فصلنامه مدیریت مطالعات*، ۲۳(۷۰)، ۱۰۳-۱۳۴.
- گال، م.، بورگ، و.، و گال، ج. (۱۳۹۲). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی*، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، جلد اول. تهران: سمت.
- ملک‌پور، ا. و حکیم‌زاده، ر. (۱۳۹۵). تبیین برنامه درسی چند فرهنگی با تأکید بر شناسایی مؤلفه‌های هویت بین‌المللی ملی و بومی برنامه درسی. *فصلنامه پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی*، ۱(۴)، ۶۳-۸۵.
- موسی‌پور، ن. (۱۳۹۱). رویکردهای تغییر در آموزش و پرورش و برنامه درسی ایران: از رویکرد مهندسی به رویکرد فرهنگی. *استراتژی فرهنگی*، (۱۷ و ۱۸)، ۲۷۳-۲۴۳.